



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسین طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

جلسه صد و چهارم؛ دوشنبه ۱۳۹۴/۲/۲۸

إن قلت: اگر قوام پول به قدرت خرید آن است، پس به هر مقدار که قدرت خرید پول نوسان داشته باشد، دیگر پول بعد از نوسان هم صنف با پول قبل از نوسان نیست، لذا حتی در نوسانات اندک هم باید قائل شوید که پرداخت مثل کافی نیست و ضامن باید ما به التفاوت را بپردازد.

قلت: نوسانات اندک قیمت باعث نمی شود که پول جدید، صنف دیگری از پول باشد و عرف آن دو را هم صنف می داند؛ زیرا بیان کردیم پول - که وسیله مبادله، وسیله سنجش ارزش، مالیت محضه و ... است - بنفسه دارای ارزش است و آنچه که به عنوان پشتوانه آن مطرح می شود، حیثیات تعلیلیه ارزش آن هستند، لذا نوسانات عادی این حیثیات باعث تغییر صنف پول نمی شود. ما نحن فیه از بعض جهات نظیر آب می باشد که با تغییر هوا، مطلوبیت آن افزایش یا کاهش پیدا می کند؛ یعنی اگر هوا گرمتر شود، مطلوبیت آب افزایش پیدا می کند و اگر هوا سرد شود، مطلوبیت آب کاهش پیدا می کند، ولی عرف این آب را همان آب قبلی و از یک صنف می داند.

بله، اگر نوسانات قیمت شدید و فاحش باشد، عرف پول قبل از تغییر فاحش قیمت را با پول بعد از تغییر قیمت، حداقل از دو صنف می داند و چه بسا از دو نوع بداند - هر چند اسماً هر دو پول هستند - و با تغییر صنف، دیگر پول جدید، مثل برای پول قدیم نیست.

توضیح بیشتر

گرچه قدرت خرید یا همان مالیت خاصه، مقوم پول است و با تغییر آن دیگر پول جدید مثل پول قبل از تغییر نیست - البته تمام مقوم نیست ولی دخیل در آن است - اما باید به این نکته توجه داشت که مالیتی که

در پول وجود دارد، به نحو کشش‌دار مأخوذ است نه به نحو ثابت. بله، اگر به نحو ثابت مأخوذ بود، آن وقت اشکال وارد بود و با اندک تغییری، پول جدید مثل برای پول قدیم نبود، ولی چون این مالیت خاصه و قدرت خرید به نحو کشش‌دار أخذ شده، لذا تغییرات عادی یعنی تغییراتی که در محدوده‌ی کشش عنوان پول باشد، نمی‌تواند ضربه‌ای به صدق مثلثیت بزند.

برای روشن شدن مطلب، مثالی عرض می‌کنیم: «خانه» مفهومی کشش‌دار است و مثلاً اگر بنایی یک اتاق، یک هال، یک آشپزخانه، یک سرویس بهداشتی و ... داشته باشد، بر آن صدق خانه می‌شود، هم‌چنین اگر دو یا چند اتاق، هال، آشپزخانه و ... داشته باشد باز هم صدق خانه بر آن می‌شود، لذا اگر مولایی به عبد خود بگوید که برای او خانه‌ای تهیه کند، اگر امر مولا منصرف به خانه‌ی خاصی نباشد، عبد می‌تواند هر بنایی که بر آن صدق خانه می‌شود را برای مولا تهیه کند. ولی اگر بنایی صدق اتاق، صدق آشپزخانه و .. داشته باشد، با این‌که مفهوم خانه کشش‌دار است اما بر این بنا صدق «خانه» نمی‌شود بلکه به آن هتل، کاروانسرا یا امثال آن می‌گویند. هم‌چنین اگر بنایی فقط شامل یک اتاق باشد و هال، آشپزخانه و ... نداشته باشد، عرف به آن خانه نمی‌گوید. وجه این مطلب آن است که هرچند «خانه» مفهومی کشش‌دار است، اما کشش آن در محدوده‌ی خاصی است و بر کمتر یا بیشتر از آن محدوده، صدق خانه نمی‌شود.

با توجه به این مثال می‌گوییم:

قدرت خرید و مالیتی که در پول مأخوذ است نیز چنین می‌باشد؛ یعنی مفهومی کشش‌دار است که نوسانات عادی قیمت ضربه‌ای به آن نمی‌زند. بنابراین اگر کسی پولی را از دیگری مثلاً به عنوان قرض گرفته باشد و الآن که می‌خواهد آن را برگرداند قدرت خریدش به نحو عادی کاهش پیدا کرده باشد، اگر به همان مقدار که قرض گرفته به او برگرداند عرف می‌گوید مثل را أداء کرده و ذمه‌اش بریء شده است، مانند این‌که اگر گندم، جو، طلا و یا سایر مثلیات را قرض کرده باشد و در صورت افت عادی قیمت، مثل را برگرداند صدق می‌کند که دینش را أداء کرده است.

این شبهه هم که أداء مثل در این صورت کافی نیست چون رأس المال مضمون‌له حفظ نشده، در حالی که خداوند متعال می‌فرماید ﴿إِنْ تُبْتِئُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^۱ یعنی اگر توبه کردند، رأس المال را باید به آن‌ها برگرداند و نباید به آن‌ها ظلم کرد. مدفوع است به این‌که: رأس المال در این‌جا، پول است که مفهومی کشش‌دار است به این معنا که ممکن است نوسان داشته باشد و ارزش آن افزایش یا

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۷۹: ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتِئُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾

کاهش داشته باشد، لذا اگر در صورت نوسانات عادی، ضامن همان پول را برگرداند، عرفاً صدق می‌کند که رأس المال مضمون‌له را برگردانده است.

بله، اگر نوسانات قیمت، غیر عادی و فاحش باشد به گونه‌ای که کشش مفهوم پول شامل آن نشود و عرف بگوید پول بعد از تغییر قیمت، حداقل صنفاً غیر از پول قبل از تغییر است، در این صورت اگر ضامن پول بعد از تغییر فاحش مغیر صنف را بپردازد، عرف نمی‌گوید رأس المال به صاحب دین برگشته، بلکه می‌گویند به او ظلم شده است؛ مثلاً اگر فرد پولی را قرض داده که با آن می‌توانست فلان خانه را خریداری کند، ولی الآن که مستقرض می‌خواهد قرض خود را أداء کند، فرضاً ارزش آن پول بیشتر از اجاره‌ی یک ماه همان خانه نیست، در این جا عرف می‌گوید این پول دیگر همان پول نیست. پس با این‌که پول مفهومی کشش‌دار است، اما کشش آن در محدوده‌ی خاصی است و شامل نوسانات شدید و غیر عادی قیمت نمی‌شود، لذا در این صورت پرداخت مثل کافی نیست و تفاوت قیمت نیز مضمون می‌باشد.^۲

إن قلت: بر طبق مبنای مختار حتی نوسانات بسیره اگر به گونه‌ای باشد که عدم ضمان نسبت به آن موجب ضرر مضمون‌له باشد، با «لاضرر» می‌توان عدم ضمان را برداشت و در نتیجه نقیض قهری آن که حکم به ضمان است را ثابت کرد؛ مثلاً اگر کسی یک میلیون تومان به دیگری قرض داده باشد که با آن می‌توانسته خانه بخرد ولی الان اگر بخواهد همان خانه و یا هر کالای دیگری را بخرد، آن پول مثلاً یک پنجم قدرت خرید خود را از دست داده، در این صورت عدم حکم به ضمان موجب ایراد ضرر بر مضمون‌له است و با «لاضرر» آن را دفع می‌کنیم و در نتیجه نقیض آن که حکم به ضمان تفاوت قیمت است ثابت می‌شود.

قلت: اولاً: در این جا اصلاً ضرر صادق نیست؛ زیرا آنچه را که مضمون‌له طلبکار است، چیزی است که مفهوم آن کشش‌دار است به این معنا که قدرت خرید آن بالا و پایین می‌رود، پس نوسانات عادی قیمت، مقتضای طبع آن است و مضمون‌له نیز همین شیء را طلبکار است، لذا اگر ضامن مثل را برگرداند در حالی که قیمتش مقداری افت کرده، در این صورت صدق ضرر بر مضمون‌له نمی‌شود چون مضمون‌له همین شیء را طلبکار بود. بله، اگر نوسانات قیمت خارج از محدوده‌ی کشش آن مفهوم باشد، نمی‌توانیم بگوییم مورد

۲. بعضی‌ها که وارد این بحث شده‌اند، ظاهراً نتوانسته‌اند بین مفهوم کشش‌دار و مفهوم ثابت و نیز بین مقدار کشش مفهوم و فراتر از آن تمایز قائل شوند و چون دیده‌اند اگر قائل شوند بعض تغییرات قیمت موجب ضمان ما به التفاوت می‌شود باید همه جا قائل به ضمان شوند، در حالی که قطعاً در همه جا نمی‌توان ملتزم به ضمان شد، لذا مطلقاً قائل به عدم ضمان نوسانات قیمت شده‌اند.

ضمان نیست.

والحمد لله رب العالمين

جواد احمدی